

هیدروپلیتیک هیرمند و بازتاب‌های فضایی آن در روابط ایران و افغانستان

مهدی کریمی - استادیار، مطالعات اسناد فرهنگی آسیا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

هادی سیفی فرزاد^۱ - دانش آموخته دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

قاسم اصولی اودلو - استادیار، روابط بین الملل، موسسه آموزش عالی بیمه اکو، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مجتبی شعبی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

چکیده

آب منشا حیات بر روی کره زمین است که امکان یافتن جایگزینی آن وجود ندارد، همین‌طور انتقال و شیرین کردن آب هزینه‌های زیاد دارد. با افزایش تقاضا برای منابع آب و آلوده شدن آب‌های سطحی و زیرزمینی در بسیاری از مناطق جهان، آب تبدیل به عاملی برجسته در روابط سیاسی بین کشورها شده و احتمال وقوع منازعه و درگیری بر سر آن تشدید می‌گردد، به گونه‌ای که روابط دو کشور را در زمینه‌های مختلف متاثر می‌کند. عدم تطابق مرزهای سیاسی با مرزهای طبیعی و حوضه‌های آبریز رودخانه‌ها موجب شده است که امروزه بیش از ۴۰ درصد از جمعیت جهان در مناطقی زندگی کنند که حوضه‌های آبریز آن‌ها بین دو یا چند کشور مشترک است. با توجه به روند افزایشی مصرف آب در بخش‌های فرادست رودخانه‌ها و منابع آبی، مشاجرات هیدروپلیتیک میان جوامع و ملت‌های ساکن در فرادست و فرودست نیز در حال افزایش است. رودخانه هیرمند علاوه بر کاهش بارندگی و خشکسالی، بوسیله‌ی سدهای احداث شده، آب ورودی به کشور ایران به شدت کاهش پیدا کرده‌است؛ و اثرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و سیاسی (در سطح داخلی و بین‌المللی) بر جای گذاشته است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی در پی بررسی تبعات مناقشه بر سر آب در منطقه سیستان و بازتاب‌های فضایی این مناقشات می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهمترین بازتاب‌های هیدروپلیتیک هیرمند، در بحران آب در منطقه سیستان و متاثر ساختن روابط دو کشور ایران و افغانستان انعکاس دارد همین‌طور در داخل کشور ایران بازتاب‌های فضایی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی داشته است.

واژگان کلیدی: هیدروپلیتیک؛ رود هیرمند؛ ایران؛ افغانستان؛ بازتاب‌های فضایی

نحوه استناد به مقاله: کریمی، مهدی، سیفی فرزاد، هادی، اصولی اودلو و شعبی، مجتبی (۱۴۰۰)، هیدروپلیتیک هیرمند و بازتاب‌های فضایی آن در روابط ایران و افغانستان، پژوهشنامه جغرافیا و نظام‌های فضایی، ۲ (۱)، ۵۴-۷۳.

<http://jgss.ir/Article/16071>

مقدمه

آب منشا حیات بر روی کره زمین است که امکان یافتن جایگزینی برای آن وجود ندارد. در سراسر تاریخ بشر، دسترسی مطمئن به آب، یک شرط اساسی برای توسعه اجتماعی، اقتصادی و پایداری فرهنگ و تمدن بوده است. این امر تا بدان جا نقش دارد که حتی اگر کشورهای در حال توسعه روش‌های جدیدی برای توسعه خویش در پیش گیرند و از اشتباهات گذشته اجتناب نمایند، باز هم تصور استمرار توسعه پایدار در شرایطی که کمیابی و کمبود منابع و ذخایر آب شیرین تجدید شونده وجود دارد، بسیار دشوار است. آب که تصفیه آن دشوار، انتقال آن پرهزینه و جایگزین کردن آن ناممکن است یگانه عنصری است که وجود آن برای تولید مواد غذایی، توسعه اقتصادی و بقای حیات ضروری است. هیچ کشوری بدون اطمینان از داشتن تامین آب نمی تواند ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود را حفظ کند و بدون کاهش میزان آلودگی جو، امنیت نسل‌های آتی از نظر آب و غذا مبهم و بدین طریق توسعه پایدار فقط در حد یک شعار باقی خواهد ماند (کرم‌زاده و مرادیان، ۱۳۹۶: ۳۴۰).

با افزایش تقاضا برای منابع آب و آلوده شدن آب‌های سطحی و زیرزمینی در بسیاری از مناطق جهان، آب تبدیل به عاملی برجسته در روابط سیاسی بین کشورها شده و احتمال وقوع منازعه و درگیری بر سر آن تشدید می‌گردد. کشمکش و درگیری بر سر کیفیت منابع آب از طریق همکاری بین کشورها قابل مدیریت می‌باشد ولی اختلاف بر سر کمیت منابع و مساله کاهش منابع آب به دشواری قابل حل است و در بسیاری از موارد، تهدیدی برای درگیری و منازعه میان کشورها می‌باشد، با توجه به اینکه اگرچه تلاش‌ها برای تنظیم مقررات مربوط به بهره‌برداری از رودهای بین‌المللی صورت گرفته اما هنوز تعریف دقیقی از میزان حاکمیت دولت‌ها بر این منابع آن گونه که مورد قبول همگان باشد ارایه نشده است که بر اساس آن بتوان مسایل و اختلافات بر سر تقسیم منابع آب رودهای بین‌المللی را حل نمود. چگونگی استفاده مشترک و بهینه از منابع آب شیرین موجود در جهان که هم محدود و آسیب‌پذیر و هم عامل بقای زندگی، توسعه و محیط است می‌تواند تعیین کننده وضعیت صلح یا جنگ در عصر حاضر باشد. شاید نیز بتوان قرن حاضر را قرن آب نامید.

هیرمند یکی از رودخانه‌هایی است که مورخان قدیم و جدید در مورد اهمیت آن اتفاق نظر دارند و سیستان را زاینده هیرمند می‌دانند. پیش از تقسیم سیستان در نتیجه حکمیت گلداسمیت در سال ۱۸۷۲ و سپس با تغییر بستر رود هیرمند در سال ۱۸۹۶ که منجر به حکمیت مک ماهون در سال ۱۹۰۵ شد، مساله آب هیرمند موضوعیت نداشت، زیرا هیرمند یکپارچه و یکدست بود و ساکنان آن در دو طرف رود بر اساس عرف و رسم معمول از آب آن برای مصارف کشاورزی و آشامیدنی خود استفاده می‌کردند. با تقسیم سیستان و انضمام نیمی از آن به افغانستان، ساکنان می‌دانستند به یکباره از هم جدا افتاده در دو سوی مرزهای سیاسی قرار گرفتند و از این زمان بر سر نحوه استفاده از آب هیرمند دچار اختلاف شدند. درگیری‌های محلی بر روابط دو کشور همسایه تاثیر گذاشت و با وجود مذاکرات و توافق‌های دو کشور در مقاطع مختلف تاریخی هنوز مساله آب محل اختلاف است و دیپلمات‌ها از آن به "استخوان لای زخم" تعبیر کرده‌اند (گرگیچ و خزایی، ۱۳۹۸: ۵۳) آنچه که بر اهمیت مساله آب در دو کشور می‌افزاید، واقع بودن منطقه مورد مناقشه در یک حوزه جغرافیایی نیمه خشک و حاره‌ای است. بررسی بازتاب‌های فضایی این پدیده موضوع پژوهش حاضر است. در واقع این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی در پی بررسی تبعات مناقشه بر سر آب در منطقه سیستان است. مهمترین بازتاب‌های هیدروپلیتیک هیرمند، در بحران آب در منطقه سیستان و مآثر ساختن روابط دو کشور ایران و افغانستان انعکاس دارد. آنچه که ضرورت چنین پژوهش‌هایی را دو چندان می‌کند این است که مساله آب همچنان به طور کامل حل و فصل نشده و مذاکرات میان نمایندگان دو طرف جریان دارد و این پژوهش‌ها می‌تواند زوایای مهم موضوع مورد مناقشه را آشکار کند. بررسی بیشتر این پدیده می‌تواند افکار عمومی را به این موضوع متوجه کند و این نکات مهم می‌تواند برای متولیان امر و مذاکره‌کنندگان مفید و سودمند باشد.

روش تحقیق

همان طور که در مقدمه بحث نیز اشاره شد این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی به این سوال اصلی است که "مهمترین بازتاب های فضایی هیدروپلیتیک هیرمند چیست؟" فرضیه پژوهش نیز عبارتست از: "به نظر می رسد مهمترین بازتاب های فضایی هیدروپلیتیک هیرمند، بحران آب در منطقه سیستان و متاثر ساختن روابط دو کشور ایران و افغانستان است". با این اوصاف پژوهش مزبور به لحاظ هدف، بنیادی و به لحاظ ماهیت و روش، از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد. ابزار گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه ای می باشد. در روش کتابخانه ای، استفاده از منابع موجود در کتابخانه ها، اطلاعات آماری رسمی و معتبر بین المللی مورد توجه قرار می گیرد. برای تجزیه و تحلیل یافته ها، از روش تحلیل کیفی داده ها استفاده می شود. نتیجه گیری نهایی این پژوهش نیز به کمک روش کیفی انجام می گیرد.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

هیدروپلیتیک

هیدروپلیتیک مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی، ملت ها و دولت ها است اعم از اینکه در داخل کشورها و یا بین آن ها و دارای ابعاد فراکشوری، منطقه ای، جهانی و بین المللی باشد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲). عدم تطابق مرزهای سیاسی با مرزهای طبیعی و حوضه های آبریز رودخانه ها موجب شده است که امروزه بیش از ۴۰ درصد از جمعیت جهان در مناطقی زندگی کنند که حوضه های آبریز آن ها بین دو یا چند کشور مشترک است. نوع تعامل میان ملت ها و جوامع محلی در بهره برداری از منابع مشترک آبی، طیف گسترده ای از سازگاری و همکاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را دربر می گیرد. با توجه به روند افزایشی مصرف آب در بخش های فرادست رودخانه ها و منابع آبی، مشاجرات هیدروپلیتیک میان جوامع و ملت های ساکن در فرادست و فرودست منابع آب نیز در حال افزایش است و بر همین اساس برخی نظریه پردازان قرن بیست و یکم را سده هیدروپلیتیک می نامند و بر این باورند که بیشتر درگیری ها و جنگ های محلی، منطقه ای و جهانی ناشی از کمبود آب خواهد بود (مختاری هشی، ۱۳۹۲: ۵۲). بنابراین پرداختن به مسائل آب های مرزی مشترک از حساسیت و اهمیت ویژه ای برخوردار است و برای مدیریت آن تاکنون کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی متعددی تدوین شده است. با افزایش تقاضا برای منابع آب و آلوده شدن آب های سطحی و زیرزمینی در بسیاری از مناطق جهان، آب تبدیل به عاملی برجسته در روابط سیاسی بین کشورها شده و احتمال وقوع منازعه و درگیری بر سر آن تشدید شده است. با توجه به این مسائل بررسی بحران های ناشی از کمبود منابع آب به صورت یکی از مباحث کلیدی در جغرافیای سیاسی درآمده است و شاخه ای از علم جغرافیای سیاسی که به بررسی این موضوع می پردازد، هیدروپلیتیک نامیده می شود.

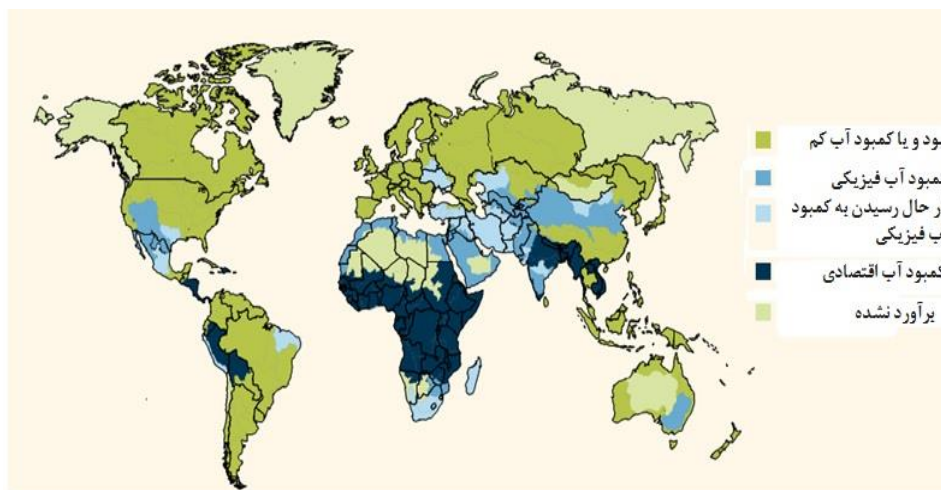
بحران آب

با افزایش جمعیت و نزدیک شدن مقادیر تقاضا به مرز نهایی منابع آب تجدید شونده، آب می تواند عامل شعله ور شدن آتش رویارویی ها در مناطقی گردد که در آنها رقابت های قومی و سیاسی، سابقه ای دیرینه دارد. عده ای از تحلیل گران معتقدند که آب به عنوان یک کالای کمیاب و گران قیمت به جای نفت در کانون رویارویی و آشتی ها قرار خواهد گرفت. پطرس غالی دبیر کل سابق سازمان ملل در سال ۱۹۸۵ اعلام کرد که "جنگ بعدی در خاورمیانه نه بر سر سیاست، بلکه بر اساس آب رخ خواهد داد" (Engelman & LeRoy, 1993). بان کی مون دبیر کل فعلی سازمان

ملل نیز اشاره می‌کند که "رقابت شدید بر سر منابع آب ممکن است منبع منازعه و جنگ‌های آینده باشد" (Carius, Dabelko, & Wolf T., 2004).

براساس گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۹، حدود ۲/۲ میلیارد نفر در جهان به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و بیش از ۴/۲ میلیارد نفر تاکید شده است که از جمله به خاطر عدم دسترسی به آب سالم هنوز امکان دفع بهداشتی فاضلاب را ندارند و در نتیجه هر سال ۲۹۷ هزار کودک زیر پنج سال از اسهال می‌میرند که این امر دومین عامل بزرگ مرگ و میر کودکان در جهان است. ۲ میلیارد نفر در کشورهای زندگی می‌کنند که با بحران آب مواجه هستند و ۸۰ درصد حوادث طبیعی مانند طوفان و خشکسالی به آب مرتبط هستند (UN, 2018). این گزارش خواهان تامین ۲۰ لیتر آب سالم در هر روز برای همه به عنوان "حقی از حقوق بشر" است. سازمان ملل نیز سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ را "دهه آب" یا شعار "آب برای همه" نامید (UNDP, 2015).

بیش از ۹۰۰ میلیون نفر در نواحی روستایی که درآمدی کمتر از ۱ دلار در روز دارند به آب برای معیشت خود دسترسی ندارند. عدم دسترسی به آب تأثیرات عمده‌ای بر روی رفاه مردم دارد. فقدان دسترسی به آب سالم و بهداشت همراه با بهداشت فردی ضعیف سبب تأثیرات بزرگی مخصوصاً از طریق بیماری‌های اسهال می‌شود که همچنان که برآورد شده است سالانه سبب مرگ ۲/۱۸ میلیون نفر که یک سوم آنها کودکان زیر ۵ سال هستند، می‌شود. افراد فقیر، بیشتر از عدم دسترسی به آب برای اهداف تولیدی متأثر می‌شوند. آب تازه برای مجموعه‌ای از چالش‌های جهانی از سلامت تا سوء تغذیه، فقر و مدیریت منابع طبیعی پایدار حیاتی است. استفاده از آب تنها با رشد جمعیت کنترل نمی‌شود. در قرن بیستم جمعیت جهان ۳ برابر شد ولی مصرف آب شش برابر افزایش یافت (Rijsberman, 2006). تا سال ۲۰۲۵، ۱/۸ میلیارد نفر در مناطق یا کشورهای زندگی خواهند کرد که کمبود آب قطعی خواهند داشت و دو سوم مردم جهان تحت فشار حاصل از کمبود آب سالم خواهند بود. شکل شماره ۱ کمبود آب جهانی فیزیکی و اقتصادی را نشان می‌دهد.



شکل ۱: کمبود آب جهانی فیزیکی و اقتصادی (WWAP, 2012) Source:

به طور کلی رابطه بین منازعه و آب به سه عامل برمی‌گردد:

- دسترسی به منابع آب کافی: منازعه بر سر آب زمانی محتمل است رخ می دهد که کشمکش بر سر دسترسی به آب کافی و با کیفیت باشد. حتی زمانی که تامین آب محدود نیست، تخصیص آب بین استفاده کنندگان مختلف و مصارف گوناگون می تواند منازعه آمیز باشد.
- آب، از دست رفتن معیشت و منازعه داخلی: اهمیت آب در حفظ و پایداری معیشت انسانی می تواند به صورت غیرمستقیم با منازعه مرتبط باشد. آب منبعی حیاتی برای کشاورزی، که به صورت سنتی منبع عمده امرار معاش می باشد، است. اگر این منبع ساقط شود، افراد به دنبال فرصت های شغلی به شهرها مهاجرت می کنند. مهاجرت خود می تواند بین مهاجران و جامعه مهاجر پذیر تنش ایجاد کند، مخصوصاً زمانی که مهاجرت با افزایش فشار بر منابع کمیاب همراه باشد. کمیابی منابع خود باعث فقر می شود و متعاقباً فقر نیز مخرج مشترک بسیاری از منازعات می باشد. مانند آنچه که در جنگ های داخلی آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین در طی یک دهه اخیر شاهد هستیم.
- مدیریت منابع آب و منازعه: مدیریت آب بسیار پیچیده و کاملاً سیاسی است. ایجاد توازن بین علایق رقیب بر سر تخصیص منابع آب و مدیریت کمیابی آب مستلزم نهادهای کارآمدی می باشد. مدیریت منابع آب زمانی بحرانی تر می شود که تصمیمات مدیریتی بدون مشارکت واقعی جوامع محلی و استفاده کنندگان از آب گرفته می شود که این خود باعث نادیده گرفته شدن حقوق محلی می شود که این خود منازعه را در پی دارد.

همچنان که تقاضا و دسترسی به آب غیرقطعی می شود، همه جوامع در برابر مجموعه ای از خطرات ملازم با تامین آب شامل گرسنگی و تشنگی، نرخ بالای مرگ و میر و بیماری، کاهش بهره وری و بحران اقتصادی شکننده تر می شوند. همه این تاثیرات آب را به یک بحران نگرانی جهانی ارتقا می دهد. چالش حکمرانی قرن بیست و یکم قرار دادن آب در مرکز تمامی فرایندهای تصمیم گیری در تمامی سطوح است. به این دلیل که اولاً، آب منبعی طبیعی است که همه فعالیت ها بدان وابسته است و دوماً، آب موضوعی تنها منطقه ای و یا محلی نیست که بتواند به تنهایی در این سطح مدیریت شود.

نظریات پژوهش

نظریه رشد ملی و خشونت بین المللی^۲

این نظریه از طرف "نازلی شکری"^۳ و "رابرت نورث"^۴ ارایه شده است. این دو معتقدند که "یک جمعیت در حال رشد، تقاضاهایش برای منابع اساسی نیز افزایش می یابد. با پیشرفته تر شدن تکنولوژی، گوناگونی و میزان منابع مورد نیاز جامعه بیشتر می شود. در صورت برآورده نشدن تقاضاها، برای ایجاد توانایی های جدید جستجو به عمل خواهد آمد و چنانچه این منابع را نتوان در داخل مرزهای کشور به دست آورد فشارهای جانبی برای تحصیل آنها از آن سوی مرزهای ملی به وجود خواهد آمد. یک کشور حتماً مصمم نیست که ارضای نیازهایش را در ورای خاک خود تأمین کند. ممکن است به کمتر نیز قانع و نگاهش متوجه داخل باشد. ولی بیشتر کشورهای نوین صنعتی به نحوی از انحاء فشارهای جانبی نیرومندی را از خود بروز می دهند" (Choucri & North, 1975).

² National Growth and International Violence

³ Nazli Choucri

⁴ Robert North

نظریه ریچارد اشلی^۵

وی فرض می‌کند که انسان‌ها بر اساس نوعی فرایند دیالکتیکی برای کاستن از شکاف‌ها میان هست‌ها و باید‌ها می‌کوشند. انسان‌ها در رقابتی بی‌پایان بر سر منابع کمیاب با محیط خود به تعامل می‌پردازند. اشلی با قبول تبیین مبتنی بر فشارهای جانبی "شکری" و "نورث" در مورد منازعات بین‌المللی، به عنوان نقطه عزیمت کار خود، بر عوامل جمعیتی، تکنولوژیک و اقتصادی در داخل کشورها و در تعاملاتشان با یکدیگر تأکید می‌گذارد. رشد جمعیت و پیشرفت تکنولوژی موجب تقاضاهای فزاینده‌ای می‌گردد که باید برآورده شوند. وقتی تقاضاهای در حال گسترش کشورها با هم تلاقی می‌کند و نمی‌توان راه‌هایی مبتنی بر همکاری یافت، ممکن است منازعه بین‌المللی بروز کند (Ashley, 1980).

نظریه کی.جی. هالستی^۶

وی در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۸۶ راجع به زمینه‌های موضوعی اختلافات بین‌المللی که در نهایت منجر به جنگ و درگیری حکومت‌ها شده‌اند، به انجام رسانده است، ۹۷ اختلاف بین‌کشوری را در فاصله سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۸۶ به عنوان نمونه انتخاب کرده و از میان آن‌ها، شش عامل زیر را به عنوان ریشه‌های اختلاف و کشمکش بین کشورها قلمداد می‌کند:

۱- اختلافات ارضی محدود

۲- اختلافات مرتبط با ترکیب حکومت و نوع رژیم سیاسی

۳- اختلاف به خاطر شرف ملی

۴- امپریالیسم منطقه‌ای

۵- جنگ‌های آزاد سازی یا جنگ‌های انقلابی

۶- اختلافات ناشی از هدف یک دولت برای متحد ساختن کشوری تقسیم شده (Holsti, 1986).

نظریه پیتر هاگت^۷

مدل "هایپوتیتکا"^۸ از پیتر هاگت تلاشی است در راستای مطالعه عوامل جغرافیایی تنش‌زا در روابط و مناسبات میان کشورها. این مدل متضمن کشوری فرضی است دارای مجموعه‌ای از وضعیت‌های اختصاصی که موجب پیدایش مشاجرات با همسایگانش می‌شوند. این کشور فرضی، "محصور در خشکی"^۹ بوده و دارای دوازده نقطه بالقوه تنش‌زا در روابط با همسایگانش می‌باشد (Haggett, 1983 & 2001). هاگت این مدل را برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ میلادی در چاپ اول کتاب "جغرافیا: ترکیبی نو"^{۱۰} ارائه داد. هاگت در این مدل به دوازده عامل جغرافیایی تنش‌زا در روابط و مناسبات میان کشورها به شرح زیر اشاره کرده است:

⁵ Richard Ashley

⁶ K.J.Holsti

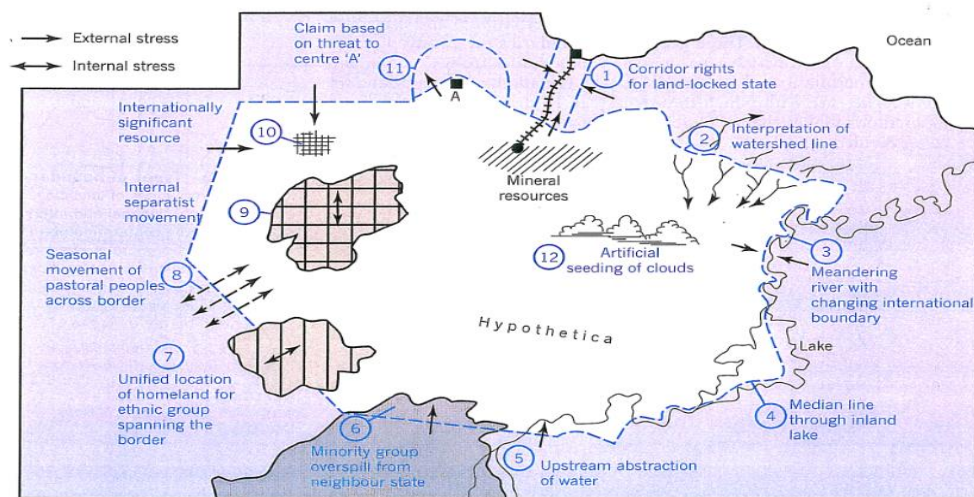
⁷ Peter Hggett

⁸ Hypothetica

⁹ Landlocked

¹⁰ Geography: A Modern Syntheses

- ۱- حقوق دالانی برای کشور محصور در خشکی جهت دسترسی به دریا از طریق خاک کشور همسایه
 - ۲- اختلاف در نحوه تفسیر خط تقسیم آب (آب پخشان) در مرزهای کوهستانی
 - ۳- مرز بین‌المللی رودخانه‌ای متغیر
 - ۴- اختلاف در تعیین مرز در دریاچه مشترک و چگونگی بهره‌برداری از منابع آن
 - ۵- ربودن آب قسمت علیای رود توسط کشور فرادست رودخانه
 - ۶- امتداد و گسترش سرزمینی و فضایی یک گروه قومی - زبانی به خاک کشور همسایه
 - ۷- استقرار یک گروه اقلیت نژادی و قومی در امتداد دو مرز بین‌المللی
 - ۸- جابجایی فصلی کوچ‌نشینان در دو سوی مرز بین‌المللی
 - ۹- جنبش جدایی‌طلبان قومی در فضای داخلی یک کشور
 - ۱۰- استقرار یک منبع مهم بین‌المللی در نزدیکی مرز که مورد ادعای همسایگان باشد. این منبع مهم ممکن است یک منبع استراتژیک نظیر اورانیوم و یا یک منبع فرهنگی نظیر مکان‌های مقدس باشد.
 - ۱۱- ادعای یک کشور به خاک کشور همسایه برای حفظ موقعیت برتر و حیاتی مناطق و منابع مرزی خویش
 - ۱۲- منازعات قانونی بر سر باروری مصنوعی ابرها به منظور تأمین باران در فضای داخلی یک کشور و ایجاد بارش در قلمرو کشور همسایه در اثر حرکت و جابجایی ابرها.
- در شکل شماره ۲، مدل‌های پوتیتکا پیتر هاگت و دوازده عامل جغرافیایی تنش‌آفرین نشان داده شده است.

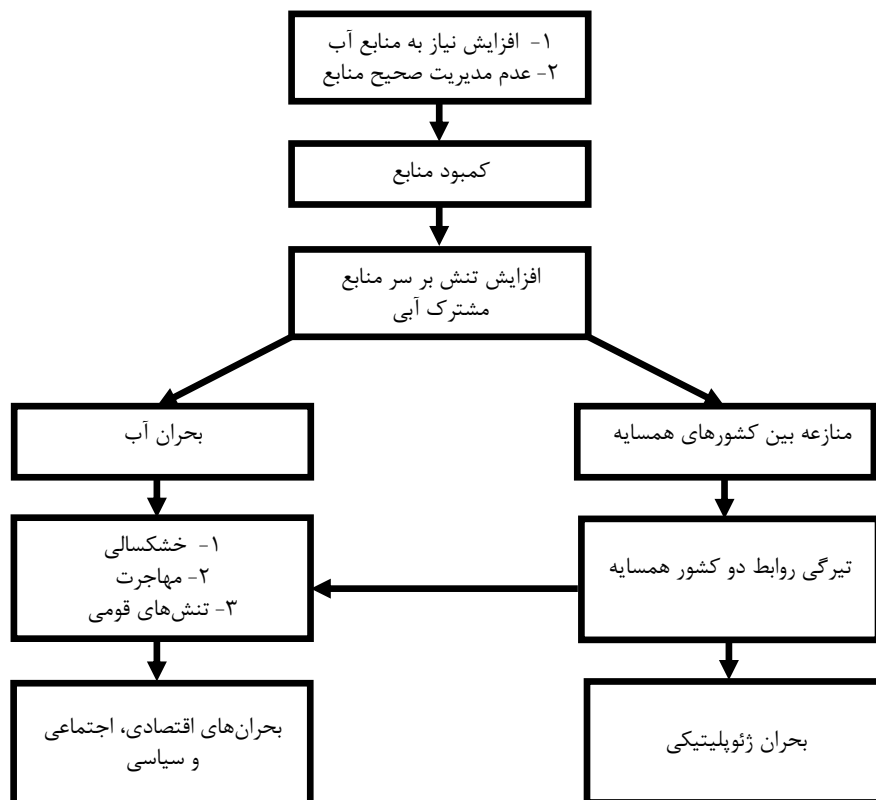


شکل ۲: مدل‌های پوتیتکا پیتر هاگت و دوازده عامل جغرافیایی تنش‌آفرین

Source (Hagget, 1983: 477 & 2001:522)

جفری کمپ^{۱۱} و رابرت هارکاو^{۱۲}، در کتاب جغرافیای استراتژیک خاورمیانه و در مطالعه‌ای که راجع به عوامل جغرافیایی ایجادکننده مناقشات منطقه‌ای در خاورمیانه انجام داده‌اند، چهار گروه از موارد زیر را که دارای مشخصات جغرافیایی هستند، به عنوان عوامل به وجود آورنده مناقشات میان کشورها قلمداد کرده‌اند: ۱- روندهای جمعیت-شناسانه و بی‌قریبگی‌ها؛ ۲- قومیت، مذهب و جنگ داخلی؛ ۳- اختلافات سرزمینی؛ ۴- مناقشه بر سر آب. وی در زمینه مناقشه بر سر آب عنوان می‌کند که: "امروزه با مد نظر قرار دادن افزایش جمعیت دنیا و رشد کمی مصرف آب ناشی از آن، افزایش شهرنشینی، بالا رفتن سطح کیفی معیشت مردم و نیاز بیشتر به آب، پایین رفتن سطح آبهای زیرزمینی در بیشتر نقاط جهان، نیاز فراوان به آب در امور رو به گسترش صنعت و کشاورزی و ... باید منتظر بود که منابع آب شیرین در قرن ۲۱ به یکی از سرچشمه‌های اصلی بروز تنش و منازعه در روابط کشورها در سطح جهانی و افزایش اختلاف و کشمکش میان گروه‌های قومی و شهروندان یک کشور در سطح ملی تبدیل شود" (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۷۳-۱۶۵). کمپ و هارکاو در این مطالعه، کشمکش و مناقشه کشورهای لبنان، سوریه، اسرائیل و اردن بر سر حوزه رود اردن، اختلافات ترکیه، سوریه و عراق بر سر حوزه دجله و فرات، مناقشه مصر، سودان و اتیوپی بر سر حوزه نیل را مورد مطالعه قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که مناقشه بر سر آب یکی از عوامل جغرافیایی پایدار در ایجاد تنش و منازعه بین کشورها به شمار می‌رود.

همانگونه که مشاهده شد منابع آب به عنوان یکی از منابع رقابت و منازعه جایگاه خاصی در نظریه‌های منازعه و رقابت دارد. در برخی از نظریه‌ها به این عامل به صورت مستقیم و در دسته‌ای دیگر از نظریه‌ها به صورت غیرمستقیم به آن اشاره شده است. در ادامه مدل نظری پژوهش ارایه می‌شود.



شکل ۳: مدل نظری پژوهش: منابع آب و منازعه و رقابت و پیامدهای آن

¹¹ Geoffrey Kemp

¹² Robert Harkavy

محیط شناسی پژوهش

سیستان نام قسمتی از سرزمین های شرقی ایران است که از سمت شمال به خراسان و از سمت جنوب به بلوچستان محدود می شود و ادامه آن در سمت شرق در داخل کشور افغانستان واقع شده است. امروزه این منطقه بخشی از استان سیستان و بلوچستان است که وسعت این سرزمین ۸۱۱۷ کیلومتر مربع می باشد. سیستان سرزمینی تقریباً هموار است و خاک زمینش بیشتر از نشست های رود هیرمند شکل گرفته است. هیرمند رگ حیاتی سیستان بوده و حیات این استان با این رود ارتباط مستقیم دارد. تاکنون هیچ توافقنامه مشترک بین افغانستان، ایران و ترکمنستان در ارتباط با تعیین وضعیت حقوقی این رودخانه منعقد نشده است دولت های حوضچه هریرود در شاخه های فرعی که در قلمرو این کشورها هستند سدهایی ساخته اند که باعث مسدود شدن جریان اصلی آب به شاخه اصلی می شود (مشهدی و اکبری، ۱۳۹۹: ۳۰۹).

هیرمند یکی از حساس ترین رودخانه های مرزی ایران است که از رشته کوه های هندوکش و بلندی های بابا یغما در ۴۰ کیلومتری غرب کابل سرچشمه می گیرد و از جنوب غربی کابل پس از پیوستن به رودخانه دیگری به نام ارغنداب وارد دشت مارگون می شود و در ادامه کار در بند کوهک در ۳۶ کیلومتری جنوب غربی زابل وارد خاک ایران می شود و از این نقطه به دو شاخه سیستان و پریان تقسیم می شود که شعبه سیستان به خاک ایران می آید. هیرمند حوزه آبریز پهناوری دارد که اندازه آن در حدود ۱۵۰ هزار کیلومتر مربع برآورد می شود. طول رودخانه هیرمند تا پیش از انشعاب در نقطه مرزی یک هزار و ۵۰۰ کیلومتر و در برخی منابع یک هزار و ۴۰۰ کیلومتر ذکر شده است. عرض آن نیز از ۲۰۰ متر تا ۹۰۰ متر متغیر است و عمق آن به ۳ تا ۴ متر می رسد. بارش در حوضه آبریز هیرمند اندک است و آب آن بیشتر از ذوب شدن برف در بلندی های هندوکش تامین می شود. هیرمند در ردیف ۱۰ رودخانه بزرگ و با اهمیت قاره آسیا است و برای ایران اهمیت بسیار دارد (ملکی، ۱۳۸۳: ۶۷). هیرمند منبع اصلی آب دریاچه هامون به شمار می رود. مقدار آبدهی آن به هامون به مراتب بیشتر از مجموعه رودخانه های دیگر است و در نتیجه کاهش آب هیرمند از اهمیت اقتصادی هامون نیز کاسته شده است (مجتهدزاده، ۱۳۷۴: ۳۴). خشکسالی های سیستان که ناشی از کم آبی و یا خشکی رود هیرمند است در گذشته بارها حیات اقتصادی و اجتماعی منطقه را به خطر انداخته است. تاریخ سیستان مکرراً از این وقایع یاد می کند که خشکسالی ۱۳۴۹ و خشکسالی بلند مدت و بی سابقه ۸۴-۱۳۷۷ از جمله آن ها محسوب می شود (توانا و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۰).

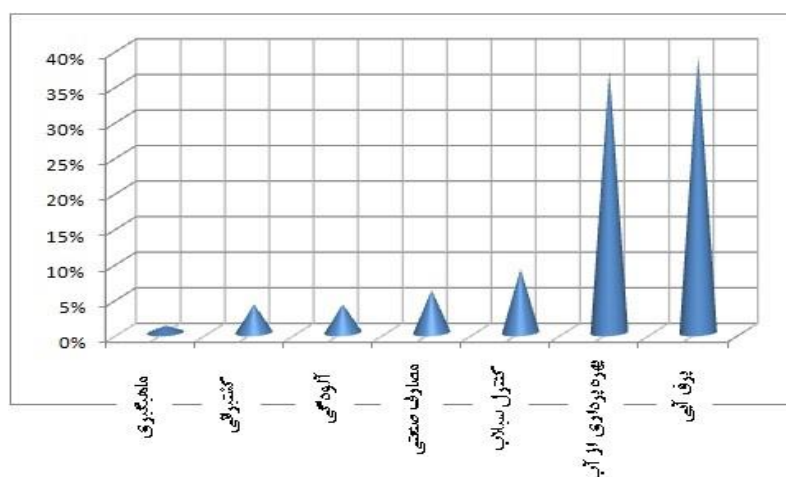
یافته های پژوهش

امروزه بسیاری از کشورهای جهان توافقات دو یا چند جانبه ای در ارتباط با منابع آبی فرامرزی مشترک دارند و پتانسیل منازعه در حال تغییر به پتانسیل همکاری است؛ اگرچه چالش های حل نشده فراوانی در ارتباط با آب های فرامرزی مشترک وجود دارد که نیازمند دیدگاهی جدید و چهارچوب های قانونی در جهت ارتقای صلح و امنیت در ارتباط با این آبها است. بررسی مختصر منابع آبی جهان نشان می دهد که بیش از ۲۷۰ منبع آبی مشترک فرامرزی وجود دارد. جدول شماره ۱ حوضه های فرامرزی نسبت به هر قاره را نشان می دهد. شکل شماره ۴ نیز فاکتورها و پارامترهای توافقات آبی فرامرزی را نشان می دهد.

جدول ۱: منبع آبی مشترک فرامرزی به نسبت هر قاره

تعداد حوضه های فرامرزی	قاره
۶۰	آفریقا
۳۹	آمریکای شمالی و مرکزی
۳۸	آمریکای جنوبی
۵۴	آسیا
۷۲	اروپا
۲۶۳	تعداد کل

Source: (UN, 2018)



شکل ۴: فاکتورها و پارامترهای توافقات آبی فرامرزی (به درصد)

Source: (HDR, 2018)

در این زمینه ایران با همسایگان خود در ارتباط با آب های مشترک توافقات و پروتکل های متعددی به امضا رسانده است که موجب ایجاد فضایی برای همکاری و جلوگیری از خشونت شده است. این توافقنامه ها شامل بندهای مختلفی در ارتباط با حقوق آب، تولید برق آبی، کشتیرانی، کیفیت و کمیت آب و غیره می باشد. جدول شماره ۲ توافقنامه های انجام گرفته بین ایران و همسایگان در این زمینه را نشان می دهد.

جدول ۲: توافقنامه های انجام گرفته بین ایران و همسایگان در ارتباط با منابع آبی مشترک

توافقنامه	شرایط کشورها در حوضه فرامرزی			داخل / خارج	نام رودخانه
	رودخانه مرزی	فرودست	فرا دست		

ارسی	داخل	ترکیه ارمنستان	ایران آذربایجان	ایران، ارمنستان آذربایجان	بلی
ساری سو و قارا سو		ترکیه	ایران	-	بلی
هریرود		-	-	ایران- ترکمنستان	بلی
		افغانستان	ایران- ترکمنستان	-	خیر
هیرمند		افغانستان	ایران	-	بلی
آستارا چای	خارج	-	-	ایران- آذربایجان	بلی
اترک		ایران- ترکمنستان	ترکمنستان	ایران- ترکمنستان	بلی
نیهینگ ^{۱۳}		ایران	پاکستان	-	خیر
رودخانه های شمالی خراسان		ایران	ترکمنستان	-	بلی
رودخانه های مرزی غربی		ایران	عراق	ایران- عراق	بلی

Source: (Najafi & Vatanfada, 2013: 146)

بحران آب در سیستان و نقش آن در بحران های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

پس از عقد قرارداد پاریس در سال ۱۸۵۷ که به موجب آن ایران، کشور افغانستان را به رسمیت شناخت، اختلاف دو کشور بر سر آب رودخانه هیرمند پدید آمد (ملکی، ۱۳۸۳: ۶۸). این وضع با وجود تلاش های متعدد در طول ۱۲۰ سال گذشته برای حل این مسئله برجای مانده و ادامه یافته است. مشکل اصلی از آنجا آغاز شد که رهبران سیاسی افغانستان در سرآغاز قرن بیستم رودخانه هیرمند را یک رود داخلی فرض کردند و هرگونه استفاده از آب آن را حق انحصاری افغانستان دانستند. این فرض در حالی جامعه عمل پوشید که حکمیت گلداسمیت در سال ۱۸۷۲ مرزهای دو کشور را در دلتای هیرمند، روی شاخه اصلی رودخانه قرار داده بود. در واقع مشکل اصلی نیز از اینجا آغاز شد؛ چرا که در مورد چگونگی تقسیم آب رودخانه و حقوق دو همسایه سکوت کرده بود (مجتهدزاده، ۱۳۷۴: ۳۵). قراردادهایی در سال های ۱۸۹۶، ۱۹۳۹ و ۱۹۷۳ بین ایران و افغانستان امضا شد ولی هیچ کدام نتوانست مشکل تقسیم آب هیرمند را حل کند.

کم آبی رود هیرمند بارها باعث خشکسالی در سیستان شده و حیات اقتصادی و اجتماعی منطقه را به خطر انداخته است. در سال ۱۳۴۹ خشکسالی بسیار گسترده و فراگیری در سراسر سیستان اتفاق افتاد. در این سال قحطی عجیبی بر منطقه عارض گردید. در اثر خشکسالی دریاچه های هامون تماما خشک گردید و عرصه های پوشیده از نیزارهای

¹³. Nihing river

سرسبز تالاب به صحرای بی آب و علف تبدیل گشت (سیستانی، ۱۳۶۷: ۷۲). بسیاری از روستاییان، مزارع و مساکن شان را از دست داده و تحت سیطره ریگ روان قرار گرفتند. با توجه به بافت روستایی در این دوره، هیچ گونه زمینه تامین معیشت و اشتغال و درآمدی در سیستان برای مردم باقی نمانده بود. در نتیجه اکثریت جمعیت منطقه، مجبور به ترک آن شدند.

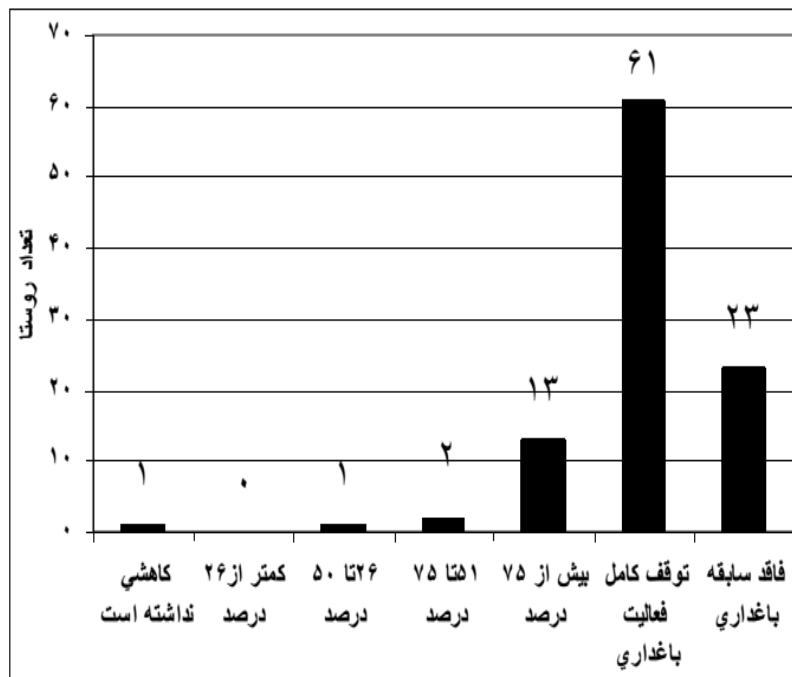
آخرین خشکسالی ناشی از کارکرد رودخانه هیرمند، خشکسالی وحشتناکی است که در طی سال‌های ۸۴-۱۳۷۷ بر منطقه عارض گردیده و تمامی کارکردهای شهری و روستایی سیستان را تحت تاثیر قرار داده است. این خشکسالی در مقایسه با خشکسالی‌های دیگر مطرح در منابع تاریخی مرتبط با سیستان، گسترده‌ترین و طولانی‌ترین خشکسالی این منطقه محسوب می‌گردد. در این راستا از نیمه بهمن ۱۳۷۸ به بعد به مدت ۱۱ ماه بستر رودخانه هیرمند کاملاً خشک بوده و حتی یک قطره آب در آن جریان نیافت. در عین حال طی سال‌های پس از آن نیز رودخانه هیرمند به طور متناوب خشک شده و دریاچه هامون نیز طی این سال‌ها کاملاً خشک و مراتع و نیزارهای آن نیز متروک گردیده است. لذا اگر ذخیره آب گودال‌های طبیعی موسوم به "چاه نیمه" در نزدیکی ورودی هیرمند به سیستان نبود، جمعیت منطقه حتی آب شرب هم نداشتند (ابراهیم زاده، ۱۳۸۴: ۹۵). خشکسالی گسترده در حوضه رودخانه هیرمند که به مدت ۵ سال ادامه یافته است در منطقه سیستان موجب خشک شدن دریاچه هامون، نابودی کشاورزی در ناحیه سیستان و خسارات فراوانی به افغانی‌های ساکن در بخش وسطی دلتای هیرمند گردید (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۰). مهم‌ترین چالش‌های ایران در ارتباط با رودخانه رودخانه هیرمند عبارتند از:

- مدیریت ضعیف منابع آبی در دشت هلمند
- بهره‌وری پایین آب در بخش‌های کشاورزی
- توسعه کانال‌ها و سدهای انحرافی بدون توجه به نیازهای آبی بخش فرودست
- از بین رفتن تالاب هامون
- ازدیاد طوفان‌های شنی و فرسایش بادی در بخش پایینی حوزه هلمند
- کشت خشکساخت و قاچاق مواد مخدر (King & Sturtewagen, 2010).

مهم‌ترین پیامدهای منفی و قطع آب هیرمند در سیستان را می‌توان به صورت زیر تقسیم بندی کرد:

۱. پیامدهای اقتصادی

همان‌طور که شکل شماره ۴ نیز نشان می‌دهد، بخش کشاورزی بیشترین مصرف آب را به خود اختصاص می‌دهد. کشاورزی در منطقه سیستان از گذشته‌های دور دارای اهمیت اقتصادی زیادی بوده است و این منطقه را انبار غله ایران و یا سبد نان خراسان نامیده‌اند. همه مشاغل این منطقه در صورتی ممکن خواهند بود که آب هیرمند جاری باشد و دریاچه هامون هم کم آب یا خالی از آب نباشد. دریاچه هامون بزرگترین منبع تامین علوفه برای دام‌های منطقه است. با خشک شدن هامون حدود ۱۵۰۰ خانواری که به صید ماهی اشتغال داشتند و سالانه ۱۲ هزار تن ماهی تولید می‌کردند، بیکار شده‌اند. با خشک شدن آب دریاچه هامون، تردد توریست‌های خارجی و داخلی که در شرایط عادی از جاذبه‌های طبیعی سیستان و آثار باستانی موجود در کوه خواجه که به صورت جزیره‌ای در وسط دریاچه قرار دارد، بازدید می‌کردند و به نوعی منشا اثر اقتصادی برای منطقه بودند، مختل شده است (احمدی، ۱۳۸۳: ۵۰).



شکل ۲: نمودار فراوانی روستاها به تفکیک درصد فعالیت های باغداری در اوج خشکسالی ۸۴-۱۳۷۷ (منبع: توانا و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۳).

با کاهش شدید آب هیرمند یا توقف جریان آب ورودی آن به سیستان و کاهش فعالیت های معیشتی، بخش عمده ای از خانوارهای روستایی سیستان، منابع درآمد خود را به طور کامل از دست داده (شکل شماره ۶) و بر این اساس بر تعداد فقرا و افراد تحت پوشش سازمان های حمایتی- امدادی افزوده شده است که افزایش ۵۹ درصدی تعداد افراد تحت کمیته امداد طی سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ موبد چنین تبعاتی است. تردیدی نیست که همزمان با خشکسالی های ۸۴-۱۳۷۸ و خشک شدن تالاب های پوزک، صابوری و هیرمند، جمعیت پرندگان مهاجر آبی در تالاب به صفر رسیده و ضمن توقف فعالیت های شکار، صیادان سیستانی نیز با خشک شدن تالابها، شغل و پیشینه خود را از دست داده اند.

۲. پیامدهای اجتماعی

با قطع آب هیرمند و خشک شدن هامون، بیشتر مردم منطقه بویژه روستاییان شغل خود را از دست داده اند و ضریب بیکاری به شکل خطرناکی بالا رفته است. بیکاری علاوه بر تاثیرات ناخوشایند بر خانواده هایی که درآمد خود را از دست داده اند، باعث مهاجرت یا روی آوردن مردم به قاچاق کالا و مواد مخدر شده است. پرداختن مردم به فعالیت های منفی اقتصادی ضمن ایجاد مسائل و مشکلاتی که به اقتصاد ملی کشور لطمه می زند، سبب ناامنی در منطقه می شود که این امر بحران های اجتماعی عدیده ای را به ارمغان خواهد آورد و در ادامه هزینه های امنیتی توسط حکومت مرکزی را افزایش خواهد داد.

۳. پیامدهای سیاسی

از سوی دیگر قطع آب هیرمند امنیت داخلی را با مخاطراتی روبه رو کرده است. هر چند تنش های قومی در شرق کشور نادر است ولی باید پذیرفت که برخی کمبودها و فشارها و نیز برخی زمینه های بالقوه و بالفعل ناراضیتی در

منطقه می‌تواند مشکل آفرین باشد. با توجه به کمبود شدید آب در سیستان، هیرمند نقشی حیات بخش برای ساکنان منطقه دارد و در واقع می‌توان آن را عامل ثبات منطقه نامید؛ زیرا ضریب وابستگی سیستان به هیرمند تقریباً صد در صد است و هر گونه اختلال در جریان آب، زیان‌های جبران ناپذیری در پی خواهد داشت (ملکی، ۱۳۸۳: ۷۰). مهاجرت گسترده مردم به خراسان شمالی و سواحل شرقی دریای خزر موجب مشکلات فراوانی هم در این منطقه و هم در منطقه سیستان شده است (احمدی، ۱۳۸۳: ۵۰). به بحران‌های اشاره شده در بالا می‌توان بحران زیست محیطی، شیوع بیماری‌های مختلف مانند بیماری‌های ریوی، چشمی و پوستی که سلامت مردم منطقه را به خطر انداخته است، را نیز اضافه کرد.

هیدروپلیتیک هیرمند و روابط ایران و افغانستان

همان گونه که در بخش ادبیات و مباحث نظری اشاره شد هیدروپلیتیک بررسی نقش آب در منازعات مختلف در سطوح مختلف می‌باشد. هیدروپلیتیک مانند آب تمامی ابعاد زندگی انسان‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. هر فردی که از کمبود و یا فقدان آب متاثر است بایستی قدرت، نقش و اطلاعات و ابزارهای لازم را جهت حل این موثر این مشکل داشته باشد (Turton & Henwood, 2002).

در میان جغرافی دانان پیتر هاگت در مدل فرضی خود به عوامل ۱۲ گانه تنش را بین کشوری فرضی با همسایگان اشاره می‌کند که حداقل یک سوم از این عوامل به طور مستقیم و غیرمستقیم به منابع آب بستگی دارد (Haggett, 1991). ۹۷/۵ درصد آب کره زمین در دریاها و دریاچه است که آب شور را تشکیل می‌دهد. ۲/۵ درصد باقی مانده آب شیرینی است که در زمین وجود دارد که از این مقدار، ۳ درصد آب رودخانه‌ها، ۳۰/۸ درصد آب‌های زیرزمینی و ۶۸/۹ درصد یخچال‌ها و پوشش دائمی برف کوه‌ها است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۰). تامین آب آشامیدنی قابل اطمینان و خدمات بهداشتی برای بیش از یک میلیارد نفر در دهه‌ی آینده یکی از بحرانی‌ترین چالش‌هایی است که بشر امروزی با آن روبرو است. این اعتقاد عمومی وجود دارد کمبود آب به صورت اجتناب ناپذیری به منازعه منجر خواهد شد. این تصور از ادبیات در دسترس نشأت می‌گیرد که از بررسی مناطق جغرافیایی مانند خاورمیانه و دیگر حوضه‌های رودخانه‌های بین‌المللی که در مناطق منازعه آمیز جریان دارند، حاصل شده است (Turton & Henwood, 2002).

رود هیرمند یکی از رودخانه‌های مورد مناقشه ایران و افغانستان است. گلد اسمیت با قرار دادن مرز ایران و افغانستان بر روی قسمتی از مسیر رودخانه هیرمند، این رودخانه را تبدیل به یک رودخانه بین‌المللی کرد که بعد از آن همواره با نقش آفرینی سیاسی خود روابط دو کشور را تحت تاثیر قرار داده است. طغیان رود هیرمند و تغییر مجرای آن در سال ۱۸۶۹ اختلافاتی بین ساکنان دو سوی مرز بر سر مالکیت بین مجرای قدیم و مجرای جدید بوجود آورد. اختلافات بوجود آمده بر سر مکان مرز و تجاوز افغانی‌ها به ایران به همراه کم‌آبی شدید سیستان موجب تنش شدیدی بین ایران و افغانستان شد که در نهایت موضوع به حکمیت مک ماهون سپرده شد. مک ماهون سهم آب ایران را به یک سوم آبی که به بند کمال خان می‌رسید، کاهش داد. رای وی مورد پذیرش دولت افغانستان قرار گرفت ولی مورد قبول ایران واقع نشد (سالور، ۱۳۸۱: ۵۷۶). اختلافات همچنان ادامه یافت و ایرانیان همواره بیشتر از آب هیرمند استفاده می‌کردند و این موضوع باعث منازعه بین دو طرف در مواقع کم‌آبی می‌شد.

با پایان جنگ جهانی اول و فروکش کردن بحران‌های سیاسی، برای نخستین بار در اوایل سال ۱۳۰۰ شمسی، مذاکرات سیاسی رسمی بین دو کشور ایران و افغانستان آغاز شد. این مذاکرات در اوایل تیرماه ۱۳۰۰ شمسی به نتیجه رسید و نخستین قرارداد بین دو کشور با عنوان عهدنامه مودت بین ایران و افغانستان امضا شد که منجر به ایجاد فضای دوستانه‌ای در روابط سیاسی دو کشور گردید و فصل جدیدی در روابط سیاسی دو کشور گشوده شد. شش سال پس از

استقلال افغانستان در سال ۱۹۲۷ عهدنامه دیگری تحت عنوان "عهدنامه ودادیه و تامینیه" میان دو دولت منعقد گردید که موجب تحکیم روابط سیاسی دو کشور شد. بر اثر دیدگاه های مشترک زمینه برای اولین مذاکرات مستقیم دو دولت در مورد تقسیم آب هیرمند فراهم شد. این مذاکرات در سال ۱۳۱۰ صورت گرفت که دو طرف پیشنهاد تصنیف آب را پذیرفتند اما در مورد مکان تقسیم آب به توافق نرسیدند (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۵: ۹). این پیمان تا مدتی خصوصا در سال هایی که بارندگی زیاد بود، عملی گردید.

این پیمان گرچه در راستای موازین موجود بین المللی قرار داشت و از دید ایران پیشرفت چشمگیری نسبت به حکمیت مک ماهون شمرده می شد، اما نتوانست مهر پایان بر اختلافات دو کشور نهاد، چرا که افغان ها نتوانستند میان خود توافق کنند و به دلیل دگرگون شدن محیط سیاسی ایران و تبعید رضاخان در سال ۱۹۴۱ افغان ها از تصویب پیمان سر باز زدند (رحمانیان و براقی، ۱۳۸۹: ۶۴). اختلافات هنگامی دوباره اوج گرفت که شماری از شرکت های آمریکایی در سال ۱۹۴۵ ساختمان سدها و کانال های انحرافی چندی بر روی رود هیرمند را آغاز کردند. همچنین ساختمان دو سد در سال ۱۹۴۹ در افغانستان باعث سر و صدای زیادی میان ایرانیان شد (مجتهدزاده، ۱۳۷۴: ۳۷). در نتیجه میانجی گری ایالات متحده، دو کشور سرانجام نمایندگان خود را به واشنگتن فرستادند. این گفتگوها به نتیجه نرسید و اختلافات تا سال ۱۹۷۳ ادامه یافت. در آن سال دو کشور پیمان تازه ای را درباره چگونگی تقسیم آب امضا کردند که هرگز به تصویب نرسید. بر اساس این پیمان نافرجام، قرار بود ۲۲ متر مکعب در ثانیه از آب هیرمند به عنوان سهم ایران در نظر گرفته شود. کودتای سال ۱۹۷۳ در افغانستان مانع از تصویب پیمان در آن کشور شد (حسیبی، ۱۳۷۱: ۴۵).

به دنبال وقوع انقلاب اسلامی در ایران و شروع جنگ داخلی دامنه دار در افغانستان که در نهایت به حاکمیت طالبان انجامید، ادامه مذاکرات در پی یافتن راه حل تازه ای بر سر آب هیرمند متوقف شد (احمدی، ۱۳۸۳: ۵۳). در زمان حکومت طالبان، خشکسالی در افغانستان موجب کاهش جریان آب هیرمند به سمت ایران و سپس قطع کامل آن از اواخر ۱۳۷۸ گردید که زیان های شدیدی به مردم ساکن در حاشیه رودخانه در ایران و افغانستان وارد نمود. در سال ۱۳۷۹ جریان سالانه آب هیرمند به سوی سیستان به میزان ۹۸ درصد کمتر از متوسط سالانه بود و در سال آبی ۸۰-۱۳۷۹ تنها ۴۸ میلیون متر مکعب آب به سیستان جریان یافت و دریاچه هامون بطور کامل خشک شد. کاهش بارندگی در قسمت علیای رودخانه و تضاد در دیدگاه های سیاسی گروه های حاکم در دو کشور، زمینه را برای قطع کامل آب هیرمند و تحت فشار قرار دادن ایران از سوی گروه طالبان فراهم نمود و برای اولین بار جریان آب هیرمند با بستن دریچه های سدهای مخزنی ارغنداب و کجکی بر روی ایران بسته شد (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۹-۱۸).

با برچیده شدن حکومت طالبان در افغانستان و استقرار حکومت جدید در سال ۱۳۸۰ فصل جدیدی در روابط سیاسی دو کشور گشوده شد. در اسفند ماه سال ۱۳۸۰ حامد کرزای رئیس دولت موقت افغانستان به همراه هیاتی عالی رتبه به ایران سفر کرد و با مقامات دولت ایران دیدار نمود. یکی از مسائلی که در این دیدار مورد توجه قرار گرفت و در سفر رئیس جمهور وقت ایران نیز از سوی طرفین به بحث گذارده شد، وضعیت رود هیرمند و سهم ایران از آب این رود بود. نگاهی به سخنان حامد کرزای در تهران بیانگر این واقعیت است که دولت کابل درصدد است به نوعی دامن خود را از این مقوله کنار کشیده و اجازه ندهد مساله رود هیرمند به یک معضل میان دو طرف تبدیل شود؛ هر چند برخی افراد و گروه ها در افغانستان وجود دارند که تمایلی به حل این مشکل نداشته و در حل دوستانه و مسالمت آمیز آن سنگ اندازی می کنند (فتحی، ۱۳۸۳: ۲۲). ایران در دولت جدید افغانستان از جبهه متحد شمال (ازبکستان ها و تاجیک ها) و همچنین شیعیان حمایت کرده است. علاوه بر این، در بین پشتوهای مخالف طالبان نفوذ داشت. در دولت جدید تعداد شایان توجهی از نیروهای نزدیک به ایران در افغانستان (جبهه متحد شمال و شیعیان هزاره) به کابینه راه یافتند. حضور این نیروها که در سال های جنگ و جهاد و بعد از سقوط طالبان مورد حمایت ایران بودند، نشان دهنده نفوذ

ایران در دولت جدید افغانستان بود. از آن زمان تاکنون، روابط ایران و افغانستان در فضایی متفاوت با دوران طالبان سپری شده است (طلوعی و شفیع‌فر، ۱۳۹۷: ۱۴۰).

مطالعه تاریخچه مساله آب هیرمند و نقش آن در روابط ایران و افغانستان نشان می‌دهد که نوسان آب هیرمند روابط بین دو کشور را شکننده کرده و زمینه ساز بروز مشکلاتی گردیده است که اگر با درایت و حسن نیت در جهت رفع این اختلافات گامی برداشته نشود، احتمال جنگ و خونریزی وجود خواهد داشت. اما اقدامات دو طرف در جهت حل این مساله می‌تواند بر موارد زیرین متمرکز گردد.

- افزایش بهره‌وری آب

- حقوق بین‌الملل جهت استفاده منصفانه از آب

- کاهش ریسک فجایع طبیعی

- توسعه پایدار زیرساخت‌های تامین آب

- تقسیم منافع بین ذی‌نفعان به‌طور متناسب

- ایجاد مرکز اطلاعاتی جهت تبادل اطلاعات (Najafi & Vatanfada, 2013: 153).

نتیجه‌گیری

هیرمند به‌عنوان پدیده‌ای جغرافیایی نقش بسیار مهمی در حیات سیستان و همچنین در روابط ایران و افغانستان داشته است. مشکلات مربوط به چگونگی تخصیص آب هیرمند در کنار عدم مدیریت بهینه منابع آبی در دو کشور در بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیکی بازتاب یافته است. مشکل اصلی از آنجا نشأت می‌گیرد که کشمکش و درگیری بر سر کیفیت منابع آب براحتی از طریق همکاری بین کشورهای حاشیه رود قابل حل است اما اختلاف بر کمیت منابع آب و مساله کاهش منابع آب به دشواری قابل حل است. همین امر باعث تنش در روابط دو کشور شده است و به نوعی به بحران آب انجامیده است.

بحران آب در سیستان موجب خشکسالی‌های شدید در سیستان و بلوچستان بوده است. این مساله باعث رواج پدیده مهاجرت شده است؛ به طوری که بسیاری از ساکنان سیستان و بلوچستان به واسطه بروز مشکلات ناشی از خشکسالی، به مناطق شمالی از جمله گنبد و گرگان مهاجرت کرده‌اند که خود این مساله باعث بروز بحران‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شده است. علاوه بر این بحران‌ها، یک فاجعه زیست‌محیطی فزاینده سرزمین و مردم سیستان را تهدید می‌کند. شیوه بیماری‌های روحی، روانی، جسمانی و بویژه ریوی، چشمی و پوستی سلامت مردم منطقه را به خطر انداخته است.

بحران‌های ناشی از آب جزو بحران‌های ژئوپلیتیکی بوده و به راحتی حل و فصل نمی‌شوند؛ چرا که منازعه بر سر یک ارزش جغرافیایی مانند آب است و این ارزش‌ها جزو منافع ملی تلقی می‌شوند و دولت‌ها به آسانی نمی‌توانند بر سر منافع ملی دست به معامله بزنند. این امر در ارتباط با رود هیرمند کاملاً صادق است. این رود با نقش آفرینی سیاسی خود روابط ایران و افغانستان را متاثر ساخته است و در واقع تبدیل به نوعی بحران ژئوپلیتیکی شده است. مساله آب

مانع از گسترش روابط و همکاری ایران و افغانستان شده است. با این اوصاف به نظر می‌رسد این بحران به دلایل اشاره شده در پایین ادامه خواهد داشت:

۱- اول اینکه در حال حاضر قانون صریح و قاطع بین‌المللی برای حمایت و تقسیم آب بین کشورها و جوامع ذی‌نفع وجود ندارد. بنابراین عدم قاطعیت و شفافیت قوانین بین‌المللی مانع از حصول توافق بین کشورها می‌شود.

۲- دومین امر با مشکلات سیاسی در افغانستان مرتبط است. روی کارآمدن حکومت‌های پی‌در پی و بروز جنگ داخلی موجب رعایت نکردن قراردادهای بین‌المللی از طرف مسئولان محلی در مسیر هیرمند می‌شود.

۳- سومین عامل به نبود عزم ملی در نزد مقامات ایران برمی‌گردد. دولتمردان ایرانی نسبت به این مسئله به طور خاص و مسائل زیست‌محیطی به طور عام توجه چندانی ندارند. اما بایستی خاطر نشان کرد که این مساله بایستی در دستور کار سیاسی و دائمی دولت قرار گیرد چرا که اگر دولت کنونی افغانستان یا طالبان از ورود آب هیرمند به ایران جلوگیری کند، آنگاه با مشکلاتی جدی روبه‌رو خواهیم شد. در کنار این موارد بایستی به هزینه‌های ناشی از کاهش و یا قطع آب هیرمند که تابحال به ایران هزینه‌های سنگینی بر دوش ایران نهاده است، نیز توجه داشت. از طرف دیگر قرار داشتن سرچشمه‌ها و بخش وسیعی از حوضه رودخانه هیرمند در فضای سرزمینی افغانستان، این کشور را به لحاظ ژئوپلیتیکی در موضع فرادستی و کشور ایران را در موضع فرودستی قرار داده است و این امر نوعی چالش ژئوپلیتیکی برای ایران محسوب می‌شود، که این امر نیز ضرورت بیش از پیش توجه به این مساله را گوشزد می‌کند.

نهایتاً جهت حل این مشکل موارد زیر پیشنهاد می‌شود، به امید اینکه زمینه برای پیدایش راه حلی هموار گردد که مورد پذیرش هر دو طرف باشد:

- تدوین نظام نامه حقوقی مابین دو دولت در جهت تخصیص آب هیرمند
- غیر سیاسی کردن مساله آب هیرمند
- انجام پژوهش‌های دقیق در ارتباط با میزان زمین‌های کشاورزی و میزان نیازمندی‌های آنها
- انجام طرح‌های مشترک جهت بهینه‌سازی مصرف و مدیریت بهینه آب.

در پایان در پاسخ به سوال اصلی پژوهش بایستی اشاره کرد که "بحران آب هیرمند نه تنها باعث خشکسالی، مهاجرت، تنش‌های قومی و متعاقب آن بحران‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شده است، بلکه باعث تنش و منازعه در روابط دو کشور شده و به نوعی تبدیل به یک بحران ژئوپلیتیکی شده و از موانع گسترش همکاری‌های دو کشور به شمار می‌آید و پتانسیل به چالش کشیدن دیگر ابعاد همکاری‌ها را دارد".

منابع

- ابراهیم زاده، عیسی. (۱۳۸۴). تعیین و تدوین استراتژی توسعه محیط زیست سیستان و بلوچستان. طرح پژوهشی: سازمان حفظ محیط زیست سیستان و بلوچستان.
- احمدی، سید عباس. (۱۳۸۳). بررسی هیدروپلیتیک هیرمند. رشد آموزش جغرافیا، شماره ۶۷، صص ۵۴-۴۸.
- حافظ نیا و دیگران. (۱۳۸۵). هیدروپلیتیک هیرمند و تاثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان. برنامه ریزی و آمایش فضا، شماره ۲، صص ۱-۲۵.
- حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۸۵). اصول و مبانی ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
- طلوعی، هادی و شفیعی‌فر، محمد (۱۳۹۷). "تحلیل قدرت هوشمند ایران در افغانستان پس از تهاجم آمریکا به این کشور". مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۱۵۵-۱۳۷.
- حسیبی، رباب. (۱۳۷۱). تقسیم آب هیرمند و انعکاس آن در روابط ایران و افغانستان. گنجینه اسناد، شماره ۵ و ۶، صص ۴۴-۶۱.
- رحمانیان داریوش و براقی، فضل‌الله. (۱۳۸۹). جایگاه مساله آب هیرمند در مناسبات ایران و افغانستان در دوره رضا شاه. تاریخ ایران، شماره ۶۴-۶۵، صص ۳۷-۷۰.
- سالور، عباس. (۱۳۸۱). رود هیرمند و اختلاف حقایق. تاریخ معاصر ایران، سال ۶، شماره ۲۱ و ۲۲، صص ۸۵۸-۵۷۵.
- سیستانی، محمد اعظم. (۱۳۶۷). سیستان: سرزمین ماسه‌ها و حماسه‌ها. کابل: آکادمی علوم جمهوری افغانستان، مرکز علوم اجتماعی.
- فتحی، محمد. (۱۳۸۳). تهران، کابل و آب هیرمند. گزارش، شماره ۱۶۱، صص ۲۲-۲۵.
- کرم‌زاده، سیامک و مرادیان، بهرام. (۱۳۹۶). "حقوق ایران در بهره‌برداری از رودخانه هیرمند از منظر حقوق بین‌الملل". مطالعات حقوق انرژی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۳۳۹-۳۷۰.
- کمپ، جفری و هارکاو، رابرت. (۱۳۸۳). جغرافیای استراتژیک خاورمیانه (جلد اول). ترجمه: سید مهدی حسینی متین، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گرگیچ، فرهاد و خزایی، ضیاء. (۱۳۹۸). "بررسی تأثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، صص ۷۰-۴۹.
- مشهدی، علی و اکبری، نرگس. (۱۳۹۹). "تعهدات دولت‌های حوضچه هریرود در احداث تأسیسات آبی". مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۳، صفحات ۳۰۹-۳۴۲.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۴). هیرمند و هامون در چشم انداز هیدروپلیتیک خاور ایران. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۰۲-۱۰۱، صص ۳۸-۳۳.
- محمد حسن ضیاء، توانا و دیگران. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی اثرات کاهش آب هیرمند بر فعالیت‌های کشاورزی در روستاهای سیستان. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۱، صص ۴۹-۶۵.
- مختاری هشی، حسین. (۱۳۹۲). هیدروپلیتیک ایران؛ جغرافیای بحران آب در افق سال ۱۴۰۴. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره سوم، صص ۸۳-۴۹.
- ملکی، بهنام. (۱۳۸۳). رودخانه هیرمند و چالش‌های پیش‌رو. اطلاعات سیاسی-اقتصادی. شماره ۲۱۰-۲۰۹، صص ۶۶-۷۱.
- Carius, A., Dabelko, D. G., & Wolf T., A. (2004). Water, conflict, and cooperation. Environmental Change and Security Project Report, 10, 60-66.
- Choucri Nazli & Robert, North. (1975). Nations in Conflict: National Growth and International Violence. Sanfrancisco. Califi Freeman.
- Engelman, R., & LeRoy, P. (1993). Sustaining water. Population and the future of renewable water supplies.

- Haggett, P. (1991). *Geography-a modern synthesis*. UTB fuer Wissenschaft: Grosse Reihe (Germany).
- Haggett, Peter. (1983). *Geography: A Modern Synthesis*. New York: Publisher: Harpercollins College Div.
- Haggett, Peter. (2001). *Geography: A Global Synthesis*. Publisher: Prentice Hall.
- HDR (Human Development Report) (2018). *Beyond scarcity: Power, poverty and the global water crisis*. Chapter 6. UNDP .
- Holsti, K.J. (1986). *Resolving International Conflicts: a Taxonomy of Behavior and some Figures on Procedures*. *Journal of Conflict Resolution*.
- King, M. & Sturtewagen, B. (2010). *Making the most of Afghanistan's River Basins Opportunities for Regional Cooperation*. The East West Institute 11 East 26th Street, 20th Floor New York, NY 10010.
- Najafi, Alireza & Vatanfada, Jabbar. (2013). *Transboundary Water Management Improvements, the Way Forward in the Middle East; Case Study: Transboundary Water Management of Iran and Neighbors*. *Geopolitics Quarterly*, Volume: 8, No 4, Pp. 135-155.
- Richard, Ashley. (1980). *the Political Economy of War and Peace*. London: Francis Pinter
- Rijsberman, F. R. (2006). *Water scarcity: Fact or fiction? Agricultural Water Management*, 80 (1), 5-22.
- Turton, A., & Henwood, R. (2002). *Hydropolitics in the developing world: a southern African perspective*: International Water Management Institute.
- United Nation, (2019), Available at: <https://www.un.org/en/sections/issues-depth/water/>
- UN. (2018). *Transboundary Waters: Sharing Benefits, Sharing Responsibilities*. http://www.unwater.org/downloads/UNW_TRANSBOUNDARY.pdf, accesed on Agust 27, 2018.
- UNDP. (2015). *Human Development Report, Beyond scarcity: power, poverty and the global water crisis*. New York.
- WWAP. (2012). *The United Nations World Water Development Report 4: Managing Water under Uncertainty and Risk*. Paris: UNESCO .
-